

حساب دقتری برای فروش اقساطی کتاب

در تهران قدیم خرید کتاب قسطی هم یکی دیگر از روش‌های منحصر به فرد خرید کتاب بود. آل عوض می‌گوید: «در تهران فروش کتاب قسطی هم باب بود. برخی دکان‌های کتابفروشی نام مشترک بانی را که قسطی کتاب می‌خریدند می‌نوشتند و براساس توافق شخصی، خریدار گاهی به‌صورت هفتگی و گاهی هم به‌صورت ماهانه در قبال خرید کتاب قسط پرداخت می‌کرد. شمار کتابفروش‌هایی که قسطی کتاب می‌دادند کم نبود، به‌عنوان مثال، در یکی از کوچه‌های فرعی حوالی میدان امام حسین (ع) کتابفروشی بود به نام جواهری که کتاب قسطی می‌فروخت تا کتاب‌بازهایی که توان مالی خرید کتاب نداشتند با شرایط آسان تری کتاب تهیه کنند. هر چند این مسئله دلیل دیگری هم داشت چرا که بازار فروش کتاب هم چندان خوب نبود و فروشنده‌گان با این روش سعی می‌کردند کتاب بفروشند. جالب اینجاست که این کتابفروش‌ها در قبال فروش قسطی کتاب به ضامنی می‌خواستند و نه چیزی برای ضمانت می‌گرفتند که این خود نشان از وجود اعتماد میان قشر کتابخوان دارد.»



کتاب در پیشخوان طهران

در شانزدهمین نشست مرکز تهران شناسی همشهری به ماجرای ورود صنعت چاپ کتابفروش‌های دوره گرد و حکایت عجیب و غریب کتاب‌های متری و قسطی پرداختیم



تهرانی‌ها از چه زمانی کتابخوان شدند؟ در روزگاری که هنوز پای صنعت چاپ به ایران باز نشده بود، اهل فضل و دانش چگونه به کتاب‌ها و نسخه‌های خطی دسترسی داشتند؟ نخستین کتابفروش‌های دوره گرد بازار تهران، نخستین بار توسط همین فروشنده‌گان دوره گرد کتاب به انجام رسید. آنها سفرهای پر مشقت و دور و درازی را در روزگاری که ایرانی‌ها و تهرانی‌ها از صنعت چاپ و نشر کتاب بی‌بهره بودند تجربه می‌کردند و شماری از آنها هم در این سفرها جان‌شان را از دست دادند. این ماجرا ادامه داشت تا به مرور راسته کتابفروشی در کوچه حاج نایب یا گرفت و برای رونق بازار کتاب در کنار کتابفروشی، توسعه صنعت چاپ و نشر کتاب در بازار تهران را همین پیشگامان عهده‌دار شدند.

نخستین کتابفروشی دار الخلافه

سابقه فروش کتاب تقریباً به دوره قاجار و ناصرالدین شاه می‌رسد. زمانی که تهران هنوز منزلت امروز استخوان نتر گانده و تعداد محله‌های آن محدود بود و از آن به جایی پایتخت با عنوان دار الخلافه یاد می‌کردند، کوچه حاج نایب و راسته حلیی‌سازان در بازار تهران محل بساط‌گستری فروشنده‌گان دوره گرد کتاب و از نخستین پانوق‌های فروش کتاب بود. «ناصر میرباقری» از ناشران قدیمی تهران با اشاره به

نخستین کسی که دستگاه چاپ سنگی را وارد تهران کرد

خانواده علی‌اکبرخان خوانساری علاوه بر راهاندازی کتابخانه در زمینه صنعت چاپ کتاب در تهران هم پیشگام بودند و میرزا محمود پسرش هم بانی ورود نخستین دستگاه چاپ به تهران بود. میرباقری با بیان این ماجرا تعریف می‌کند: «میرزا محمود بعد از مدت کوتاهی یا در رکاب پدر در کتابفروشی شروع به کار می‌کند. در همین گوردار خیر به میرزا محمود قدیم پرداختند.

نماینده صنف کتابفروش‌ان در مجلس

یکی از کتابفروشی‌های معروف کوچه حاج‌الدوله که صاحب آن تا نخستین بر صندلی نمایندگی مجلس شورای ملی پیش رفت، کتابفروشی «میرزا محمود» کتابفروش بود که جزو مشروطه‌خواهان هم محسوب می‌شد. میرباقری در این باره می‌گوید: «میرزا محمود علاوه بر کار نشر در زمینه خوشنویسی، تصویرسازی،

بنیانگذار نشر کتاب‌های پلیسی در خیابان فردوسی

«حسین شبستری بریانی» یا «آطور که روی جلد کتاب‌های انتشاراتی‌اش درج می‌شد یعنی «حسین بریانی» برای کتاب‌بازهای تهران قدیم نامی آشنا بود. کتابفروشی کوچک ناشر خلاق و باقری‌چه در خیابان علاءالدوله یا همان خیابان فردوسی فعلی برای جوان‌های زمان خوان تهرانی حکم سرزمین عجایب را داشت. همین علاقه به انتشار کتاب‌های سریالی و کتاب‌های پلیسی بود که باعث شد به بنیانگذار نشر کتاب‌های سریالی و پلیسی در تهران معروف شود. هر چند فعالیت حسین بریانی در دهه ۲۰م‌گذشت، اما کتابفروشی کوچکش با آن شکل و شمایل متفاوت که جزوه‌ها و کتاب‌ها را روی پیاپده‌رو خیابان فردوسی پهن می‌کرد برای همیشه در حافظه تاریخ معاصر ثبت شده است. ظاهر کتاب‌ها و جزوه‌های انتشاراتی او بسیار سساده بود، اما قیمت آن کتاب‌های کاهی یا چیب جوان‌های کتاب‌باز آن دوران همخوانی داشت و همین ویژگی کتابفروشی کوچکش را شهره شهر کرد و حتی آواز‌شان را به شهرستان‌ها رساند.

نخستین انتشارات کتاب‌های دانشگاهی

یکی از قدیمی‌ترین و نخستین‌های انتشاراتی‌های کتاب‌های دانشگاهی، نشر چهر در خیابان انقلاب است. این انتشاراتی باعث شد که نخستین دانشجویان دانشگاه تهران به جای کمی کردن جزوه استادان خارجی و دست‌نوشته‌های همکلاسی‌های‌شان صاحب کتاب‌های چاپی شوند اما اینکه چه شد که نخستین انتشارات کتاب‌های دانشگاهی راه‌اندازی شد، حکایت جالبی دارد. بانی تأسیس نخستین دانشکده پزشکی با عنوان «دانشکده طب» در انتهای ساختمان کنونی دانشگاه تهران دکتر «شرار ازلین» فرانسوی بود. در آن زمان کسی به‌صورت جدی به چاپ و انتشار کتاب‌های پزشکی فکر نمی‌کرد. استادان دانشگاه پزشکیان فرانسوی بودند و دانشجویان از جزوه‌های همین استادان برای مطالعه استفاده می‌کردند تا اینکه عده‌ای از دانشجویان ایرانی بورسیه فرانسه شدند و بعد از بازگشت به زادگاه خود تصمیم به چاپ کتاب‌های دانشگاهی گرفتند. دکتر «مصطفی حبیبی» و «حسین فریور» دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی بودند که سال ۱۳۲۱ همره تعدادی از دوستان‌شان انتشارات چهر را تأسیس کردند. «چنین‌شناسی» نخستین کتابی بود که از سوی انتشارات چهر سال ۱۳۲۲ در حوزه پزشکی منتشر شد. چاپ این کتاب حدود ۳سال زمان برد.



از دوره گردان کتابفروشی تا راه‌اندازی قرائت‌خانه

در میان مشاغل تهران قدیم شغل رسمی به‌عنوان کتابفروش تا دوره قاجاریه وجود نداشته است. معمولاً بعضی از فروشندگان دوره گرد، سیدهای توری همراه داشتند که داخل آن تخم‌مرغ، قلم، دوات و لایقه بود که در میسان آنها تعدادی کتاب‌های خطی پیدا می‌شد. این کتابفروش‌ان دوره گرد در تیمچه حاج‌الدوله و بازار حلیی‌سازان به‌صورت پراکنده بساط می‌کردند. «ردشیر آل عوض» محقق و پژوهشگر تهران شناس با اشاره به این ماجرا، از پیشینه کتابفروشی در تهران قدیم صحبت می‌کند و می‌گوید: «بسیاری از مشتریان این دستفروش‌های دوره گرد، علاقه‌مندان حفظ و نگهداری

کتاب‌های غیر قابل فروش مرحوم مستوفی

یکی از کانون‌های مهم و مورد توجه اهل علم و قلم، کوچه حاج نایب و مغازه‌های کتابفروشی آن در تهران قدیم بود که تعداد آن به زحمت به بیست و چند تا می‌رسید. اما تادل‌تسان خواهد کتاب‌های غنی در اینجا پیدا می‌شد و محل مراجعه چهاره‌پای سرشناس و معروف بود. اردشیر آل عوض در میان کتابفروشی‌های پر آوازه کوچه حاج نایب به کتابفروشی مرحوم «جلیل مستوفی» اشاره می‌کند و می‌گوید: «مرحوم مستوفی از فضایی تریزری بود که وقتی

کتابفروشی شمس‌العماره؛ پانوق بزرگان

کتابفروشی شمس‌العماره در خیابان ناصر خسرو و در همسایگی شمس‌العماره معروف، نخستین آسمانخراش تهران، از دیگر کتابفروشی‌های تهران قدیم است که به‌دلیل تردد چهاره‌پای سیاسی و ادبی و مذهبی حسابی میان تهرانی‌ها سم در کرده بود. اردشیر آل عوض، محقق و تهران شناس می‌گوید: «صاحب کتابفروشی شمس‌العماره مرد فاضلی بنام شیخ حسن بود که بعد از او هم پسرش راه پدر را در این حرفه ادامه داد. مرحوم «علی‌اکبر دهخدا»، «علی‌اصغر خان حکمت» و «اسید عبدالرحیم خلیلی» از نخستین افرادی که دیوان حافظ را تصحیح کرد، «محمدعلی فروغی»، «سید

انتشارات اقلیت‌های مذهبی

ایران و ارمنستان چاپ می‌شد به زبان اصلی و نیز ترجمه شده می‌فروخت. علاوه بر این، کلیساهای تهران نیز در حوزه چاپ و انتشار کتاب‌های مذهبی فعال هستند و از گذشته کتاب‌هایی با محتوای دینی را رایگان در اختیار کتابخوان‌ها قرار می‌دادند. زرتشتی‌ها هم از گذشته در خیابان فلسطین یک کتابفروشی به نام انتشارات فروهر دارند که در مناسبت‌های مختلف فعال است و کتاب‌هایی درباره دین و آیین زرتشت، تقویم، دفتر و... منتشر می‌کنند.»

پدیده خرید کتاب متری و کیلویی

امروز شاید خرید کتاب به‌صورت متری و کیلویی کمی عجیب به‌نظر برسد، اما کتاب‌بازها روزگاری در تهران به دلایل مختلف مجبور بودند کتاب‌های مورد علاقه‌شان را به‌صورت کیلویی بخرند. آل عوض در این باره می‌گوید: «چند دهه پیش کتاب‌بازهای تهران با پدیده‌ای به نام کتاب کیلویی آشنا شدند. مبدع فروش کتاب کیلویی انتشارات گوتنبرگ بود. او در دکان خود یک ترازو قرار داده بود و برای نخستین بار در تهران به مشتریان به‌صورت کیلویی کتاب می‌فروخت. این‌ها خود بیابانگر جایگاه کتاب می‌فروختند.»

«دانشکده»؛ کتابفروشی نماینده خانه‌نشین

مواضع مخالف ملکشعراى بهار بار ضلایش باعث شد تا این شاعر پر آوازه بعد از ۶ دوره حضور در مجلس شورای ملی از سر اجبار خانه‌نشینی را تجربه کند، اما از آنجا که اهل خانه نشستن و دوری از فضای علم و فرهنگ نبود و باید از جایی ارتزاق می‌کرد سال ۱۳۱۰ کتابخانه دانشکده را در خیابان شاه‌آباد راه‌اندازی کرد. آل عوض درباره کتابفروشی ملکشعراى بهار می‌گوید: «ملکشعراى بهار بعد از خانه‌نشینی اجباری، کتاب‌های شخصی‌اش را از خانه به کتابفروشی می‌آورد و کسب‌وکار جدیدی را شروع می‌کند. این کتابخانه تا سال‌ها پانوق چهاره‌پای سرشناس و سیاسیون بود، بهار برای تصحیح و چاپ کتاب‌هایی مانند «تاریخ سیستان» و «هجمل‌التواریخ» و ترجمه «بلعمری» با وزارت فرهنگ قرارداد بسته بود، اما مخالفتش توطئه جدیدی را شکل دادند و گفتند که او مشغول چاپ و انتشار کتاب‌های سیاسی است. او وقتی متوجه این ماجرا شد اثاثیه کتابفروشی را فروخت و کتابخانه را بست.»



سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۲ ■ شماره ۲۸ ■ صفحه ۷ و ۶

سه‌م بانوان در نشر کتاب

اردشیر آل عوض | محقق فرهنگ عامه

اگر چه تاریخ تهران مملو از بانوان نویسنده‌ای است که با وجود همه مشکلات سهم بسزایی در توسعه فرهنگ و ادب داشته‌اند، اما شمار نویسندگان زن در ۲-۳ دهه اخیر نسبت به سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی رشد قابل توجهی داشته است. بیش از بیروزی انقلاب اسلامی، در کشور فقط ۱۱ نویسنده زن داشتیم، اما در سال ۱۳۵۸ شمار نویسندگان زن به ۸۰ تن رسید. این آمار در میانه دهه ۹۰ یعنی سال ۱۳۹۶، رشد قابل توجهی داشت و به ۲۸ هزار و ۲۳۹ نویسنده رسید.

با وجود چنین ظرفیتی، ما هرگز نتوانسته‌ایم نویسندگان زن توانمند را معرفی کنیم. به‌عنوان مثال، یکی از بهترین مصححان و مفسران شش‌نامه فردوسی «مهری بهفر» است که شرح شاهنامه را در ۱۵ مجلد آماده کرده و تاکنون ۷ جلد آن منتشر شده است. در حوزه ترجمه قرآن نیز اثر «طاهره صفارزاده»، یکی از برجسته‌ترین ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم است. او در دانشگاه تربیت مدرس تهران رشته مترجمی را به‌عنوان یک فن تخصصی تدریس می‌کرد. همچنین یکی دیگر از آثار برجسته نویسندگان زن، ترجمه صحیفه سجده‌ای به اثر «فاطمه احمدی» است که این کتاب مورد توجه مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته است. در میان مجموعه تقریظ‌هایی که مفسر معظم رهبری برای کتاب‌های حوزه شهدا و جانبازان نوشته‌اند نیز آثار بسیاری توسط نویسندگان زن به رشته تحریر در آمده است.

در میان ناشران نیز «منصوره اتحادیه» یکی از نخستین بانوانی است که وارد حوزه نشر کتاب شد. اتحادیه بیش از ۱۷۰ عنوان کتاب منتشر کرده که حدود ۳۴ جلد از این کتاب‌ها به قلم خود اوست. اتحادیه به‌صورت تخصصی در برخی از این کتاب‌ها به تاریخ تهران پرداخته که می‌تواند یکی از منابع مهم برای علاقه‌مندان پژوهش درباره تاریخ پایتخت باشد.

مروه حومه «سیمیا کوبان» یکی دیگر از زنان برتر حوزه نشر کتاب در تهران بود. او به‌عنوان مدیر انتشارات دماوند، مبدع بخشی از تحولات تبلیغات در شهر تهران است. کوبان که در فرانسه تحصیل کرده بود با ایده‌هایی نو در حوزه تبلیغ کتاب زمینه‌ساز جهشی بزرگ در عرصه تبلیغ شد.

در میان بانوانی که در حوزه نشر کتاب فعال هستند، باید به نقاش بک بانوی دیگر در انتشارات دایره المعارف تشیع اشاره کنیم. ۸ مجلد از دایره المعارف تشیع توسط «فهمیه محبی» به چاپ رسید. جالب اینجاست که او با هزینه‌های شخصی و بدون اینکه از حامی دولتی استفاده کند، چنین کار مهمی در حوزه دین و فرهنگ انجام داد.

این موارد تنها گوشه‌ای از تلاش بانوان در حوزه نویسندگی و نشر کتاب است که نشان می‌دهد جایگاه بانوان در حوزه نشر و نویسندگی همواره جایگاهی رفیع و اثرگذار بوده است.

